

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده : " جیشری باجوریا " (۱)
مترجم : متین کوشا

نسل جدید تروریستهای پاکستان

مقدمه:

مقامات پاکستانی از دیرباز بدینسو با گروه های جنگجوی مستقر در قلمرو آنکشور ارتباط داشته اند. در سراسر دهه هشتاد آنها بعضی از سازمانهایی را که در کشمیر برضد دولت هند می جنگیدند، کمک کرده و هکذا نقش اساسی و مؤثری در مقاومت افغانستان علیه اتحاد شوروی داشتند. در دهه نود میلادی، دولت پاکستان به امید روی کار آمدن دولتی دوست در کابل ، از امر صعود طالبان حمایت کرد.

اما به باور کارشناسان ، پیوستن پاکستان با امریکا در مبارزه برضد افراط گرایان مسلمان پس از حادثه یازدهم سپتمبر سال ۲۰۰۱، تأثیری منفی برسیاست حمایت از گروه های تروریستی خارجی اسلام آباد گذاشته است. افرادی از رهبری سازمان القاعده و همچنان طالبان افغانستان در مناطق قبایلی پاکستان پناه گرفته اند. اعزام واحد های ارتش پاکستان به مناطق قبایلی اکثراً اسباب نارضایتی در میان سران قبایل و هواداران طالبان در آن منطقه شده است. در سالهای اخیر، بسا از گروه های جدید تروریستی ظاهر شده و گروه های موجوده به سازماندهی مجدد خویش پرداخته اند. این گروه های تازه تشکیل ضمن برخورداری از قدرت کنترل بیشتر، در مقایسه با اسلاف شان، بیشتر به خشونت تمایل داشته و کمتر علاقه مند راه حل سیاسی هستند.

گروه های تروریستی:

کارشناسان میگویند که تعیین تعداد گروه های تروریستی فعال در پاکستان مشکل است. ولی طوریکه خانم « اشلی. ج. تلیس » به تاریخ شانزدهم ماه جنوری ۲۰۰۸ در مقابل کمیته روابط خارجی سنای امریکا شهادت داد، اکثر این گروه های مستقر در پاکستان به پنج بخش تقسیم میشوند:

۱- گروه های سکتاریستی : از قبیل گروه سنی مذهب « سپاه صحابه » و گروه شیعه موسوم به «تحریک جعفریه» که در گیر اعمال خشونت آمیز در پاکستان اند.

- ۲- گروه های ضد هندی: گروه های تروریستی مورد حمایت ارتش پاکستان و (ISI) مثل « لشکر طیبه » ، « جیش محمد » و « حرکت المجاهدین ».
- ۳- طالبان افغان : جنبش اصلی طالبان و رهبری قندهاری آن به دور ملا محمد عمر که فکر میشود در کوئته مستقر اند.
- ۴- سازمان القاعده و گروه های مرتبط به آن: القاعده به وسیله بن لادن و سایر تروریستهای غیر جنوب آسیایی مستقر در مناطق قبایلی پاکستان رهبری میشود. آقای « روهان گوناراتنا » از "مرکز بین المللی مطالعات خشونت سیاسی و تروریسم" در سنگاپور در زمینه اظهار میدارد که سایر گروه های جنگجوی مثل « نهضت اسلامی ازبکستان » ، « گروه جهاد اسلامی » ، « گروه رزمندگان اسلامی لیبیا » و « تحریک اسلامی ترکستان شرقی » نیز در مناطق قبایلی پاکستان مستقر اند.
- ۵- طالبان پاکستانی : طالبان پاکستانی فعال در مناطق خود مختار قبایلی شامل:
- گروه تحت رهبری « بیت الله محسود » یکی از سران قبیله محسود در وزیرستان جنوبی.
 - « تحریک نفاذ شریعت محمدی » به رهبری مولانا فقییر محمد و مولانا قاضی فضل الله.
 - « لشکر اسلامی » به رهبری منگل باغ افریدی در خیبر اجنسی.

طالبان پاکستانی:

در واکنش به هجوم سال ۲۰۰۲ واحد های ارتش پاکستان به منطقه خود مختار قبایلی در پی شکار جنگجویان اسلامی، حامیان طالبان افغانستان در آن مناطق ، به تشکیل گروه طالبان پاکستانی پرداختند. این طالبان پاکستانی از لحاظ تشکیلاتی با طالبان افغانی فرق دارند. آقای « روهان گوناراتنا » میگوید که طالبان افغان تنها در افغانستان میجنگند نه در پاکستان ، ولی طالبان پاکستانی در پاکستان برضد دولت خود میجنگند. تحلیل گران معتقد اند که این موقف طالبان افغان آنها را در پناه حمایت دولت پاکستان قرار داده و این دولت افراد آنها را نه دستگیر کرده و نه به نیرو های امریکایی و ناتو مستقر در افغانستان تحویل میدهد. اما مقامات پاکستانی مکرراً هر نوع رابطه با طالبان را رد کرده و اظهار میدارند که مشکل در خود افغانستان است و ادعا میکنند که هواداران طالبان با عبور از مرز وارد پاکستان شده و در کمپ های مهاجرین افغان به سر باز گیری میپردازند. آگاهان امور میگویند که مردها در مناطق قبایلی به صورت سنتی با سلاح بزرگ میشوند، ولی تنها درین چند سال اخیر بوده است که آنها خود را بدور یک ایدئولوژی اسلامی و برنامه شبیه طالبان افغانستان سازماندهی کرده اند. مردم ایالت سرحدی شمال غرب پاکستان ، قبایل سرحدی و همچنان باشندگان مناطق شرقی افغانستان عمدتاً پشتون ها اند و باهم علایق قوی قومی و زبانی دارند. "حسن عباس" یک محقق در " دانشگاه هاروارد" امریکا درین مورد در شماره ماه جنوری نشریه آن دانشگاه مینویسد که طالبان پاکستانی در مناطق قبایلی ، خود را به طور مؤثری به مثابه یک بدیل جانشین در مقابل بزرگان قبایل مطرح کرده اند. موصوف اظهار میدارد که طالبان پاکستانی حدود دوصد تن از سران قبایل را کشته و در ماه دسامبر سال ۲۰۰۷ گروه های خود را در زیر چتر " تحریک طالبان پاکستان " (TTP) باهم متحد ساختند. ادغام این گروه ها باهم طی یک شورای مشورتی متشکل از حدود بیشتر از چهل تن از رهبران ارشد طالبان صورت پذیرفته و بدین طریق " تحریک طالبان پاکستان" تحت رهبری « بیت الله محسود » اهل منطقه وزیرستان جنوبی ایجاد شد.

" این تحریک از تمام مناطق ایالت سرحدی شمال شرق به شمول هفت منطقه قبایلی خود مختار دارای نمایندگانی است . قرار برخی تخمین ها، این تحریک جمعاً از (۳۰۰۰۰) تا (۳۵۰۰۰) عضو دارد. در جنب سایر اهداف این تشکل، جهاد قاطع علیه ارتش پاکستان، انفاذ شریعت و اتحاد برضد حضور نیروهای ناتو در افغانستان قرار دارد. مقامات پاکستانی این گروه را متهم به ترور نخست وزیر پیشین پاکستان خانم « بینظیر بهوتو » در دسامبر ۲۰۰۷ میکنند. تحلیلگران میگویند که هنوز زود است بدانند که این گروه چقدر در امر اتحاد دسته های متفرق در ساحات وسیع مناطق قبایلی موفق شده و قبایل تا چه حد به رهبری محسود وفادار خواهند بود.

تغییر چهره تروریسم:

طبق نظر کارشناسان طالبان جدید خشونت گرا تر، جوانترو در مورد نتایج امور ناشکیبا تر اند. آقای «Steve Coll» رئیس بنیاد تحقیقاتی «امریکای جدید» مستقر در واشنگتن میگوید که طالبان افغان در دهه نود از نوعی پوشش (رابط) سیاسی در پاکستان برخوردار بودند، ولی آنچه حالا در مورد طالبان پاکستان اتفاق میافتد عبارت است از کنار زده شدن وساطت کننده های سنتی بین طالبان و دولت به وسیله نسل جوان رهبران شدت گرا تر، شتابزده تر و سازش ناپذیرتر با دولت. بنا به گفته وی این جنگجویان طالب شباهت به اطفال جنگجوی گریخته از خانه در آفریقا و جاهای دیگر دارند که با ایجاد راه بندانها و گشت و گذار در امتداد شاهراه ها در مناطق قبایلی، از لحاظ سیاسی تحت نام تحریک طالبان فعالیت دارند. «ولی اینها در حکم قانون اند و این تغییر واقعی است». این نسل نو تروریستها بیشتر آماده اجرای عملیات انتحاری است، چنانچه در سال ۲۰۰۷ بیشتر از پنجاه عمل انتحاری را انجام دادند، در حالیکه از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ بیشتر از بیست عمل انجام نشده بود. آقای «روهان گوناراتنا» از دیاد چنین عملیات را به نفوذ القاعده نسبت میدهد. وی میگوید که «گروه بن لادن بیشتر این گروه های تروریستی را در مناطق قبایلی آموزش میدهد». القاعده خود را پیشآهنگ جنبش اسلامی پنداشته و سنت انجام عملیات انتحاری را در جمع طالبان افغان و پاکستانی ترویج کرده است. این مناطق قبایلی همچنان شاهد گسترش افراط گرایی بوده است. طالبان پاکستانی مثل اسلاف طالبی افغان شان با موسیقی، تلویزیون و سایر پدیده های تجملی مثل سالون های ماساژ و غیره مخالف بوده و برضد آن اعلان جهاد کرده اند. طبق فرمان طالبان محلی در مناطق قبایلی، مردان باید ریش گذاشته و زنان برقع بر تن کنند.

«نیکولاس شمیدل» نویسنده مجله نیویارک تایمز در شماره ماه جنوری ۲۰۰۸ آن نشریه به نقل از مولانا فضل الرحمن رئیس «جمعیت العلمای اسلام» (شاخه فضل) که یک حزب مذهبی طرفدار طالبان است چنین مینویسد: «با آغاز جهاد در افغانستان، نفوذ ملک ها (سران قبیله ای) و همچنان سیستم کهن قبیله ای در افغانستان پایان پذیرفته و رهبری جدیدی برپایه جهاد شکل گرفت. در مناطق قبایلی ما نیز مسأله همینطور است».

زمینه رشد و پرورش تروریستها:

مناطق قبایلی پاکستان که مدتها قبل به سبب خصومت های قومی و قبیله ای از هم گسیخته بود، در دهه هشتاد میلادی با پشتیبانی دولت پاکستان از جهاد افغانستان برضد اتحاد شوروی وقت، رادیکالیزه شد. پس از یازدهم سپتمبر بیشتر جنگجویان اسلامی به شمول افراد القاعده به منظور فرار از جنگ تحت رهبری امریکا در افغانستان، به مناطق غربی پاکستان سرازیر شده و مناطق قبایلی را بیشتر بی ثبات ساختند. به عنوان مسیر اکمالات سلاح به مجاهدین افغان، این مناطق غرق در اسلحه سبک شده فعلاً اضافه تر از یک ملیون از مردان زیر ۲۵ سال را که با سلاح بزرگ شده اند؛ در خود جای داده است. قرار منابع مطلع در امتداد مرز افغانستان و پاکستان، مناطق قبایلی همچنان اهمیت بسزایی در امر قاچاق مواد مخدر و اقمصاد جنایی (مافیایی) در منطقه دارد. کارشناسان امور ضد تروریسم اذعان دارند که طالبان پاکستانی از درک پدیده قاچاق و اقتصاد مافیایی تأمین میشوند. مناطق قبایلی پاکستان در پرتو قوانین دوران استعمار به نام «قانون جنایی سرحد» یا (FCR) به وسیله (پولیتیکال اجنت) یا نماینده سیاسی در هفت آجنسی اداره میشود. درین مناطق، قبایل از دیرباز بدینسو بر سر مسایل اقتصادی و یا کنترل ساحات باهم به جنگ و نزاع پرداخته اند. بنا به باور (Steve Coll) آنچه در طی بیست سال اخیر درین مناطق اتفاق افتیده، عبارت است از «رنگ اسلام سیاسی رادیکال بخشیدن به این ساختار پیچیده قاچاق و رقابت در میان قبایل. این تغییر چهره بعضی از مناطق قبیله نشین با پوشش ایدئولوژی اسلامیستی، جریان رقابت های قبیله ای را چنان بغرنج ساخته است که درک آن برای ما در خارج منطقه آسان نیست».

دشواری های مبارزه ضد تروریسم:

مقامات پاکستانی در تلاشند تا با تحرکات این منطقه مقابله کنند. در مورد ظرفیت ارتش پاکستان جهت سرکوب شورشها در داخل مرزهایش، ایرادات و شک و تردیدهایی از داخل و خارج پاکستان وجود دارد. جنگجویان اسلامگرا عملیات انتحاری شانرا افزایش داده اند. به گروگان گرفته شدن ۲۵۰ سرباز اردوی پاکستان در وزیرستان جنوبی در سال ۲۰۰۷ به وسیله افراد "بیت الله محسود" در مناطق خود مختار باعث سرافکندگی دولت آنکشور شد. این سربازان در بدل رهائی ۲۵ تن از افراد زندانی "محسود" آزاد شدند. ارتش پاکستان نه تنها در مناطق قبایلی، بلکه در سایر نقاط ایالت سرحد که جنگجویان در آنجا حضور دارند، با مقاومت سختی روبروست. در سال ۲۰۰۷ گروه افراطی "تحریک نفاذ شریعت محمدی" به رهبری مولانا "فضل الله" کنترل ساحات وسیعی از دره صوات را که قبلاً منطقه توریستی بود؛ به دست گرفت. ارتش پاکستان پس از جنگی طولانی آن مناطق را دو باره به دست آورد، و لی گفته میشود که صدهاتن از جنگجویان تندرو اسلامی در آنجا فعال اند. آقای "ستيو. كول" اراده و تصمیم ارتش پاکستان برای جنگیدن در مقابل طالبان جدید را زیر سؤال میبرد. موصوف در نشریه «نیویارکر» مینویسد "که شواهدی نشان دهنده آن است که بعضی از افسران فعلی و قبلی ارتش و اطلاعات پاکستان در حالیکه خود را در حال یک جنگ موهوم (خیالی) با تند روان شورشی میبینند، در عین حال با ایشان احساس همدردی دارند". مقامات امریکایی بارها چنین اتهامات را در مورد اردوی پاکستان بسته اند، ولی جانب پاکستانی این ادعا را رد کرده و کشته شدن حدود هزار تن از سربازان ارتش آنکشور در مبارزه با تروریسم و تلاش مکرر جنگجویان برای ترور "پرویز مشرف" را شاهد مثال آن میآورند. آقای «روهان گوناراتنا» در زمینه مینویسد که "یک ستراتیژی مؤثر در برخورد با تحدید تروریسم عبارت از این است که با کنار آمدن و همکاری با گروه های به حاشیه رانده شده، آنها را به مرکز فعالیتهای سیاسی کشانده و بایستی فرصتی برای شان ایجاد کرد."

یک راه حل اسلام آباد درین خصوص عبارت بود از استقرار «میلشه های سرحدی» سازمان شبه نظامی پاکستان درین منطقه. شبه نظامیان اهالی بومی اند که در مناطق قبایلی مستقر شده اند. اینها به سبب همزبانی با اهالی منطقه و شناخت از وضعیت اراضی و سایر مسایل منطقه بی، نقش مهمی در مبارزه با تند روان اسلامی بازی کرده اند. اما نمونه های فراوانی از فرار، خود داری از جنگ و دستور ناپذیری در میان سربازان این نهاد شبه نظامی دیده شده است. «کرستین سی. فیر» از مؤسسه «راند» در شهادتش در مقابل کمیته روابط خارجی سنای امریکا در جنوری ۲۰۰۸ اظهار میدارد که سربازان این سازمان در درجه دوم پس از سربازان اردوی پاکستان بوده و فرماندهان آن از میان اهالی پشتون ایالت سرحد برگزیده میشوند. طبق نظر وی: "شبه نظامیان پاکستانی به طور ناکافی آموزش دیده و تجهیزات کامل نداشته و آماده عملیات ضد شورش در مناطق قبایلی نیستند. این شبه نظامیان در دهه نود طالبان افغان را آموزش نظامی داده و فکر میشود که با آنها علائقی دارند." به باور بسیاری از آگاهان شبه نظامیان در مقایسه با اردوی پاکستان شانس بهتری در حفاظت ازین مناطق دارند. واشنگتن در نظر دارد تا میزان کمک های فعلی اش را به این سازمان شبه نظامی افزایش دهد. در تلاش به منظور حفاظت از مناطق قبایلی در نوار مرز با افغانستان، «فرماندهی عملیات ویژه امریکا» پیشنهاد تعلیم و تجهیز سران قبایل را در مبارزه با القاعده و طالبان کرده و در عین حال وعده کمک پولی ۷۵۰ میلیون دلاری را به این مناطق طی پنج سال آینده داده است.

گزینه دیگر درین مورد به وسیله دولت پاکستان عبارت بوده است از عقد قراردادهای صلح با سران قبایل که در اکثر موارد به شکست انجامیده و تا حال بنا به گفته منتقدین از جمله در واشنگتن، به تقویت مواضع جنگجویان منجر شده است. در جنوری سال ۲۰۰۸ گزارشات خبری مبنی بر تصمیم ایالات متحده جهت اعزام عساکر به مناطق قبایلی پاکستان در جوار مرز با افغانستان خشم مقامات پاکستانی

را برانگیخته و تحلیل گران اظهار داشتند که اقدام مزبور باعث بی ثباتی بیشتر پاکستان خواهد شد. عمران خان رئیس حزب " تحریک انصاف در پاکستان " باور دارد که مذاکرات سیاسی یگانه روش برخورد با تروریسم است. آقای « روهان گوناراتنا » هم معتقد است که گزینه نظامی راه حل این مشکل نیست.

(۱) - نویسنده مؤسسه تحقیقاتی امریکایی به نام " شورای روابط خارجی " (www.cfr.org)